



پژوهشنامه فلسفه دین

سال بیستم، شماره اول (پیاپی ۳۹)، بهار و تابستان ۱۴۰۱، صص. ۱۳۳-۱۴۰.  
مقاله کوتاه (DOI: 10.30497/PRR.2022.76221)

## الهیات عملی در منظومه دین اسلام (با تأکید بر انسان معیار در تراز مولای متقیان)

محمد رضا شمشیری<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۵

### چکیده

فیلسوفان الهیات را در قسم حکمت نظری در کنار طبیعیات و ریاضیات دیده و نمود و بروز آن را در حوزه حکمت عملی به انتظار نشسته‌اند. تجربه عملی نشان می‌دهد که حوزه نظر لزوماً راه به میدان عمل نمی‌برد. هدف این جستار پرداختن به این موضوع است که آنچه در حوزه الهیات، اعم از نظری و عملی، مطرح است آنگاه عملی خواهد شد که بایسته‌هایی را به شایستگی پیاده‌سازی کرده باشد. در این تلاش که با رویکرد درون‌دینی و با روش توصیفی-تحلیلی انجام گرفته است با استفاده از فرازهایی از کلام معصومین، دنیا به عنوان میدان عمل، قرآن به عنوان چراغ هدایت و ولیّ معصوم به عنوان تراز و میزان عمل در زندگی مطرح می‌گردد. به رغم همسانی اضلاع این منظومه، نسبت انسان‌ها با آن متناسب با مرتبت وجودی آنها به لحاظ معرفت‌شناختی است. در نتیجه تخلق انسان‌ها به اخلاق معیار منوط به رعایت تقوا و تمسک و توصل به ولیّ معصوم است. دنیازدگی و پیروی از هوی و هوس و رضایت به دنیا و اطمینان نسبت به آن مانع رسیدن ایشان به آن جایگاه خواهد بود. برون‌رفت از این تنگنا، اعراض و انقطاع از دنیا و تلاش در جهت ارتقای وجود و نزدیک شدن به جایگاه اصحاب یمین و مقربان درگاه الهی بر مبنای شیوه‌نامه‌ای است که مولای متقیان مطرح فرموده‌اند.

### کلیدواژه‌ها

الهیات عملی، اخلاق، ولیّ معصوم، تقوا، دنیازدگی

۱. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.  
(mo\_shamshiri@yahoo.com)



## **Practical Theology in Islam (with Emphasis on the Standard Human Being from the Viewpoint of the Lord of the Pious (Imam Ali (A.S.))**

**Mohammad Reza Shamshiri<sup>1</sup>**

Reception Date: 2022/02/24

Acceptance Date: 2022/05/05

### **Abstract**

Philosophers have placed theology among the theoretical wisdom alongside physics and mathematics, and have been waiting for its emergence in the field of practical wisdom. Experience shows that the theoretical field does not necessarily lead to action. The purpose of this paper is to address the issue that what is in the field of theology, both theoretical and practical, will be implemented only when it has already implemented some requirements properly. In this paper, which has been done with an intra-religious approach and with a descriptive-analytical method, using phrases from the words of infallibles, the world is presented as a field of action, the Qur'an as a beacon and the infallible guardian as the criterion and standard for actions in life. Despite the similarity of these components, the relation of human beings to each of them is proportional to their existential order in terms of epistemology. As a result, reaching the standard morality is dependent on piety and adherence to the infallible guardian. Being immersed in worldly concerns, following whims and lusts, being pleased with the world and having confidence in it, will prevent them from reaching that position. Getting out of this dilemma, turning away from the world and trying to promote the existence, approaching the position of the companions of the Right Hand and those close to the Divine Gate can be attained by following the instructions proposed by The lord of the pious.

### **Keywords**

Practical Theology, Morality, Infallible Guardian, Piety, Being Immersed in Worldly Concerns

---

1. Assistant Professor, Islamic Philosophy and Kalam Department, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. (mo\_shamshiri@yahoo.com)

## ۱. مقدمه

فیلسوفان الهیات را در شاخه حکمت نظری قرار داده، نمود آن را در شاخه حکمت عملی به انتظار نشسته‌اند. گرچه دانش نظری در حوزه الهیات فراوان است، نمود و بروز آن در تطابق با آن دانش‌ها مشهود نیست. لذا پرسش این است که دلایل این عدم تطابق یا عوامل تطابق را باید کجا جست و یافت؟ این جستار مبنای عمل را فطرت و وجدان الهی و دارای حقیقت نفس‌الامری دانسته، معتقد است آنچه در حوزه رفتار مورد انتظار است برخاسته از همین مبنای درونی بوده، لذا می‌تواند میان تمامی ابنای بشر مطلوب و قابل اجرا باشد. از این رو می‌کوشد با روش توصیفی-تحلیلی، گفتمانی را ترسیم کند که تنها با قرار گرفتن در آن می‌توان به رفتار و تخلق به اخلاقی نائل آمد که بنیان آن بر ولایت‌الله و میزان و معیار آن منحصرأ ولیّ معصوم خواهد بود. تلاش شد تا با استمداد از منابع درون‌دینی، شرایط و مراحل برای الهیات عملی مطرح و عنوان شود که آدمی تا در این منظومه قرار نگیرد نمی‌تواند به صرف تفوه به کلام معصوم یا حتی ترویج و تبلیغ آن، از مزایا و مواهب آن بهره‌مند و متخلق به اخلاق معیار و در تراز باشد. بدیهی است «هر که در این حلقه نیست فارغ از این ماجراست».

## ۲. دنیا میدان عمل

تولد و مرگ انسان در دنیا است. این یعنی هم انسان موجودی واقعی است و هم دنیایی که در آن قرار می‌گیرد با عمل انسان می‌تواند منشأ اثر قرار گیرد. اما دنیا در قرآن، در برابر آخرت، جز لهُو و بازیچه نیست (العنکبوت، ۶۴؛ الانعام، ۳۲؛ الحديد، ۲۰؛ محمد، ۳۶). دنیا ظاهر دانسته شده و بسنده کردن به آن غفلت از آخرت است (روم، ۷). از این رو اهل معنا زندگی دنیوی انسان را در بستر اعتباریات دیده‌اند. البته همه این اعتباریات دارای پشتوانه و تکیه و باطنی حقیقی است. احکام مطرح در حوزه شریعت نیز این گونه است، یعنی به حسب ظاهر از سنخ اعتبارات است، ولی پشتوانه و باطنی حقیقی و تکوینی دارد که مربوط به نشئه مبدأ و معاد است (جوادی آملی ۱۳۹۸، ۱۳۳). فرمان خداوند به نبی مکرم اسلام اعراض از همین دنیا است (النجم، ۲۹). ذکر خدا جز با اعراض از دنیا حاصل نمی‌شود، چرا که این دنیا در تقابل با ذکر خداست (جوادی آملی ۱۳۹۸، ۱۳۵). بر این اساس دنیا، در هر و با هر شرایطی فی حد ذاته و مستقل از منع اعتبار، مطلوب و محمود نیست. نمونه‌های فراوانی از این دنیای مذموم در کلام مولای متقیان از جمله خطبه‌های ۸۲، ۱۹۱، نامه ۳ و حکمت ۳۸۴ نهج‌البلاغه قابل ترصید است.

### ۳. قرآن کریم: چراغ راه هدایت

کلام خداوند از جانب حق و عالم ملکوت به جهت هدایت و نجات از سرگستگی و حیرت در وادی دنیا (اعتباریات) نازل شده است (المائدة، ۱۶-۱۵). امیر مؤمنان در هدایتگری و راهنمایی و اندرزگویی قرآن از جمله خطبه‌های ۱۴۷، ۱۵۶، ۱۷۶ و نامه ۶۹ فراوان فرموده‌اند. در روایات متعدد است که قرآن ظاهر و باطنی داشته، تأویل کلمات و حروف آن را جز خدا و ریشه‌داران در دانش کسی نمی‌داند (مجلسی ۱۴۰۳، ۳۳: ۱۵۵). در پاره‌ای از احادیث، بطن قرآن تا «هفت بطن» شمرده شده است (همدانی ۱۳۴۱، ۳). امام حسین کتاب خدا را بر عبارات، رمزها (اشاره‌ها)، لطایف و حقایق استوار، عبارات آن را برای توده مردم اشاره و رموزات آن را از آن خواص و بندگان ویژه، لطایف آن را برای اولیاء و حقایق آن را نیز برای انبیاء و پیامبران دانسته‌اند (مجلسی ۱۴۰۳، ۸۹: ۲۰). از این رو قرآن تأویل خود را منحصرأ در اختیار خدا و راسخون در علم دانسته (آل عمران، ۷). پرسش از آن را به اهل ذکر واگذار کرده (النخل، ۴۳؛ الانبیاء، ۷) و غور در آن را جز در شأن معصوم مطهر ندانسته است (الواقعه، ۷۹). امام علی قرآن را خطی نوشته‌شده میان دو جلد و صامت دانسته که به مفسری نیازمند است، و این اشخاص‌اند که از جانب آن سخن می‌گویند (خطبه ۱۲۵).

### ۴. حدیث ثقلین

پیامبر اسلام در حدیث مشهور ثقلین کتاب خدا و خاندان مطهرش را دو ثقل یادگار خود مطرح و تأکید فرمودند از آنها جلو نیفتید تا هلاک شوید و به آنها چیزی نیاموزید که آنها از شما دانانترند (کلینی ۱۳۷۵، ۲: ۴۱۷). از این برمی‌آید که کلام‌الله و آل‌الله قرین و عدل یکدیگرند و آنچه بر یکی می‌گذرد بر دیگری نیز جاری است. بر این اساس ظهر و بطنی که در قرآن کریم مطرح است بر کلام معصوم نیز صدق می‌کند، گرچه کلام معصوم همانا اظهار قرآن و در بسیاری موارد تفصیل آن چیزی است که اجمال آن در قرآن آمده است.

### ۵. حدیث صعب مستصعب

احادیث فراوانی از زبان اهل بیت، حدیث آل محمد را صعب و مُستصعب و فراتر از تحمل عموم مردمان دانسته‌اند. امام علی شناخت و پیروی از اهل بیت را بسیار سخت و در اختیار بندگان مؤمن خاص دانسته‌اند (خطبه ۱۸۹، محمدی ری‌شهری ۱۳۸۴، ۳۵۲). امام صادق نیز حدیث اهل بیت را چنین دانسته‌اند (کلینی ۱۳۷۵، ۳: ۱۲۹). امام باقر فرموده‌اند:

حدیث ما صعب و مستصعب و ذکوان و اجرد است و هیچ کس از جمله ملک مقرب و نبی مرسل و بنده مؤمنی که خداوند قلبش را برای ایمان امتحان کرده قادر به تحمل آن نیست. ... حدیث ما همان است که خداوند متعال در وصفش فرموده: **اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ** پس حدیث بهترین و متقن‌ترین سخن‌هاست و هیچ یک از آفریدگان قادر به تحمل تمام و کمال و نهایت آن نیست مگر آن که بتواند کنه آن را تحدید کند. (یعنی بر آن احاطه و سیطره وجودی داشته باشد) چون هر که چیزی را تحدید کند از آن بزرگتر است. و توفیق فهم این معنا مستلزم حمد الهی و انکار آن همانا کفر است. (صفار قمی ۱۴۰۴، ۱: ۲۴)

صعوبت امر یا حدیث معصومین را در درک معنای واقعی احادیث، فهم و هضم مرتبت فضائل و کمالات حضرات معصومین و پذیرش ولایت ایشان تحلیل کرده‌اند (خوش‌فر ۱۳۸۸، ۱۱۳). از مجموع آراء و شروح در این باره می‌توان گفت مراد اصلی از این روایات، بحث ولایت و حجت بودن معصومین بر خلائق و اقرار به کمالات و فضایل و جایگاهی است که خداوند برای آنها قرار داده است (مرتضوی و حسن‌زاده ۱۳۹۴، ۱۱۲). این یعنی حدیث خاندان عصمت حقیقتی دارای مراتب است که بعضی از این مراتب به واسطه تحدید قابل تحمل و دستیابی است و این متمم حدیث نبوی است که «ما گروه پیمبران مأموریم که با مردم باندازه خردشان سخن کنیم» (حرّانی ۱۳۷۶، ۱: ۳۶). پس احاطه هر کس به حدیث اهل بیت متناسب با ذات محدود آن شخص ادراک‌کننده است و بالتبع آنچه تحمل و ادراک می‌شود نیز محدود است. از همین روست که هیچ کس توان حمل کمال و نهایت حدیث آن ذوات مطهر را ندارد، زیرا حدیث آنان غیرمحدود است. این مقام مقامی الهی و همان ولایت مطلقه است (جوادی آملی ۱۳۹۸، ۱: ۱۳۹). بر این اساس، فهم و اعتقاد مردمان و میزان التزام ایشان به کلام معصوم و از این طریق تخلق به اخلاق معیار، تابع مرتبت وجودی ایشان است.

## ۶. مراتب انسان در دنیا

قرآن کریم انسان‌ها را به سه دسته مقربان، اصحاب یمین و اصحاب شمال تقسیم می‌کند (الواقعه، ۷-۱۱). اصحاب یمین اهل یمین و برکت و اصحاب شمال اهل شومی و پلیدی و مقربان واصلان به مرتبه تقرب‌اند. انسان‌ها از لحاظ دَوْران بین نفی و اثبات، نسبت به هدف و راه مشترک انبیاء، یعنی از جهت انقطاع به سوی حق تعالی و اعراض از دنیا و عالم ماده چهار گروه خواهند بود:

۱. «مقربان» و اهل کمال انقطاع و صلاح تام؛

۲. «اصحاب یمین» و نزدیک به مقربان؛
۳. مرحله نازل «اصحاب یمین» و دارای عملکردی ضعیف در انقطاع، چرا که کردار شایست و ناشایست را به هم آمیخته‌اند؛
۴. «اصحاب شمال» و محرومان از اصل انقطاع و اعراض (جوادی آملی ۱۳۹۸، ۳۱۹).

بر این اساس، ظاهراً میزان اعتقاد و التزام انسان‌ها به شرایع و تطبیق سبک زندگی خویش با میزان و معیار مطرح در آنها به طور عام و سنت و حجت معصوم به طور خاص با یکدیگر تفاوت بنیادی خواهد داشت. با تدبیر و تأمل در ویژگی‌های شریعت اسلام و دیگر شرایع الهی و تعمق در خطوط کلی دین و پیام‌های هماهنگ و متجانس انبیاء درمی‌یابیم که یگانه مقصود مشترک آنها همانا برگرداندن چهره جان آدمی از دنیا و توجه دادن انسان به ورای عالم طبیعت است. پیام همه انبیاء این است که دنیا مسافرخانه است و توجه و نگهداری مسافرخانه فقط به مقدار درنگ در آن بایسته است نه بیش از آن.

### ۷. بحث و نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد تکامل و تعالی واقعی انسان در گرو قرار گرفتن او در گفتمانی است که ابعاد واقعی آن گفته شد. مادامی که شخص در این سپهر گفتمانی قرار نگیرد امکان تحقق و تخلق به آنچه در سیره و سنت معصوم آورده شده است وجود نخواهد داشت. اخلاق معیار اخلاقی است که در تراز «مولا» قرار گیرد و نمود ولایت‌پذیری در رعایت «تقوا» جلوه‌گر خواهد بود. توصیه مولای متقیان به تقوا را از یاد نبریم (نامه ۴۷). به نظر می‌رسد امیر مؤمنان علی رعایت تقوای الهی را، که امری درونی و اعتقادی است، لازمه و پیش‌شرط رفتارها و اعمال بیرونی مؤمنان دانسته به طوری که گویا تا زمانی که تقوای الهی رعایت نشود منجر به بروز آن در رفتار صحیح و مورد تأیید و ماندگار نخواهد شد. این که چرا با بودن احکام و آموزه‌های دینی، ابعاد زندگی مسلمین بسامان نیست شاید در گلابه و شکایتی که حضرت ختمی‌مرتبت در قیامت خواهد داشت قابل جستجو باشد: «و پیامبر [خدا] گفت: پروردگارا، قوم من این قرآن را رها کردند» (الفرقان، ۳۰). شکایت از مهجوریت قرآن همانا شکایت از مهجوریت مولا است. مولای متقیان در خطبه‌های ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۸۲، حکمت ۲۲۸ و نامه ۴۷ سفارش به قرآن و تبعیت از مولا را در کلام خود تصریح فرموده است. اگر به دنبال عملیاتی کردن تعالیم دین و الهیات نظری هستیم باید

ولایتمان را و میزان التزام خود را با کلام مولا مورد ارزیابی و سنجش قرار دهیم چرا که میزان اوست. امیر مؤمنان این تظاهر و تغایر را از پیش خبر داده‌اند:

به زودی پس از من روزگاری بر شما فرارسد که در آن چیزی پنهان‌تر از حق و آشکارتر از باطل و فراوان‌تر از دروغ بستن بر خدا و پیامبرش نباشد؛ و نزد مردم آن زمان کالایی بی‌رونق‌تر از قرآن نیست اگر آن گونه که باید خوانده شود، و کالایی رایج‌تر از آن نیست آنگاه که از معانی حقیقی‌اش تحریف گردد و در شهرها چیزی زشت‌تر از معروف و بهتر از منکر یافت نشود. (خطبه ۱۴۷)

مادامی که نسبت ما با قرآن و نهج‌البلاغه فقط از این روست که تعیین‌کننده میزان قدر و منزلت حرفه‌ای و اجتماعی ما باشد، از این دو ثقل وزین فاصله بسیار داریم.

با تقسیم چهارگانه‌ای که از انسان‌ها مطرح شد، شاید بتوان عموم مسلمین را در گروه سوم یعنی کسانی قرار داد که در مرحله نازل اصحاب یمین و دارای عملکردی ضعیف در انقطاع از دنیایند، چرا که کردار شایسته و ناشایسته را به هم می‌آمیزند. اینان کسانی‌اند که به اصول دین اعتقاد داشته و در عمل نیز به فروع دین کم‌وبیش عمل می‌کنند، اما حق بودن عقاید و تطابق اعمالشان با این عقاید، ناقص و فی‌الجمله است. عوامل نقصان علم و عمل را در این گروه سه عامل گفته‌اند:

۱. گرایش به زمین و دنیاگرایی؛

۲. پیروی از هوای نفس؛

۳. دنیادوستی (جوادی آملی ۱۳۹۸، ۳۲۶).

اینها عواملی است که عقل عملی و تخلق به اخلاق ولوی را تضعیف کرده، کارکرد اصیل آن را به محاق می‌برد. به فرموده مولا (ع) «بسا عقل‌ها که اسیر فرمانروایی هوی و هوس است» (حکمت ۲۱۱). این گونه است چون عقل عملی انسان درگیر و مشغول به دنیا است و در نتیجه آن عقاید صحیح، تنها به عنوان علم حصولی صرف در لوح ذهن نوشته شده و از قلمرو خود فراتر نمی‌رود و به همین سبب تأثیر و بروزی در حوزه رفتار و ملکات او ندارد. پیروی از هوای نفس و دنیازدگی آدمیان را در معرض دنیا و فتنه‌های آن قرار می‌دهد (خطبه ۵۰). فتنه امت همانا آزمودن ایشان به اموال و کیفیت دینداری‌شان است (خطبه ۱۵۶). آن کس که به جای ظاهر به باطن دنیا و در عوض امروز به فردا بیندیشد سربلند این آزمون خواهد بود (خطبه ۶۴). زاهدین در دنیا و متوجهین و راغبین به آخرت، گروهی هستند که زمین را بساط و خاک را فرش و آب را شربت گوارا و قرآن را جامه زیرین (روش خویش و زینت دل) و دعا را جامه رو (مانع حوادث) قرار داده‌اند (خطبه ۱۰۴).

اینجاست که نقش امام معصوم و ولیّ از یک سو و وظیفه مؤمنین در ولایت‌پذیری مشخص می‌شود: «به بهشت نمی‌رود مگر آن کسی که امامت را بشناسد و امام نیز عملکرد او را تصدیق کنند» (خطبه ۱۵۲). «پس امامان را در بهترین منازل قرآن (که عشق و احترام قلبی به آن است) بنشانید و به سان شتران تشنه رو به آب‌خورآنان آورید» (خطبه ۸۷). اوج به ثمر نشستن و ظهور ولایت آل‌الله زمانی است که دنیا و مردمانش آخرین ذخیره الهی را در عرصه ظهور دریابند. امام باقر فرموده‌اند:

وقتی دوران ما فرا برسد و مهدی ما بیاید، یک مرد از پیروان ما از شیر توانمندتر و از تیر بُرّان‌تر است و دشمنان ما را با پاهایش لگدکوب می‌کند و با دست می‌کوبد. این اتفاق وقتی است که رحمت خداوند و گشایش او برای بندگان فرومی‌ریزد. (صفار قمی، ۱۴۰۴، ۱: ۲۴)

مولای متقیان در خطبه ۶۴ وظیفه مردمان را تا آن زمان تمسک و توصل و توسل به معارف قرآن و از این طریق به مهدی آل‌الله دانسته‌اند.

### کتاب‌نامه

- قرآن کریم. ۱۳۹۵. ترجمه محمد مهدی فولادوند. انتشارات پیام عدالت.  
 نهج البلاغه. ۱۳۹۷. ترجمه حسین استاد ولی. بنیاد نهج البلاغه.  
 جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۸. *تحریر رساله الولایه شمس الوحی تبریزی*، علامه سید محمد حسین طباطبایی. قم: اسراء.  
 حرّانی، ابو محمد. ۱۳۷۶. *تحف العقول عن آل الرسول*. ترجمه محمد باقر کمره‌ای. کتابچی.  
 خوش‌فر، محسن. ۱۳۸۸. «معناشناسی روایات صعب مستصعب». *دوفصلنامه پژوهشی حدیث اندیشه* ۸-۹: ۱۱۰-۱۲۸.  
 صفار قمی، محمد بن حسن. ۱۴۰۴ ق. *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)*. مکتبه آیه اله العظمی المرعشی النجفی.  
 کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۳۷۵. *اصول کافی*. ترجمه محمد باقر کمره‌ای. انتشارات اسوه.  
 مجلسی، محمد باقر. ۱۴۰۳ ق. *بحار الانوار*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.  
 محمدی ری‌شهری، محمد. ۱۳۸۴. *میزان الحکمه*، ج. ۳. دار الحدیث.  
 مرتضوی، سید محمد، و مهدی حسن‌زاده. ۱۳۹۴. «تحلیل معنایی حدیث "امرنا صعب و مستصعب"». *پژوهشنامه نهج البلاغه* ۹: ۹۵-۱۱۴.  
 همدانی، عین‌القضات. ۱۳۴۱. *تمهیدات*. انتشارات دانشگاه تهران.